

نقش آذربایجان در فتح آناتولی توسط سلجوقیان (با تأکید بر فعالیت‌های ترکمنان غازی)*

عزیز طالی قره قشلاق^۱ محمدتقی امامی خویی^۲

چکیده

آذربایجان در تحولات تاریخی دوره سلجوقی همانند اکثر ادوار تاریخ ایران جایگاه و اهمیت برجسته‌ای داشته است. با بررسی و مطالعه در منابع اصلی و مهم دوره سلجوقی روشن می‌گردد که از نیمه اول قرن پنجم هـ.ق. گروه‌های وسیعی از عناصر ترکمن (که غز یا اغوز نیز نامیده می‌شدند) به آذربایجان در نزدیکی مرزهای بیزانس سرازیر شدند. از همین دوره اهمیت ویژه آذربایجان به عنوان پایگاه اصلی ترکمنان و دولت سلجوقی آغاز شد. این پژوهش بر آن است به این پرسش پاسخ دهد که آذربایجان در فتح آناتولی در دوره سلجوقی چه نقشی ایفا کرد؟ روش این پژوهش و جهت‌گیری شیوه گردآوری داده‌ها، تاریخی - تحلیلی است و دست آورد آن نشان می‌دهد که منطقه آناتولی در همسایگی آذربایجان ایران از جمله نواحی مهم و مقصد در عرصه مهاجرت قبایل ترکمن و سیاست توسعه ارضی سلجوقیان بود. اما تصرف آناتولی بدون دسترسی به آذربایجان میسر نبود. به عبارت دیگر آذربایجان کلید فتح آناتولی و حتی قفقاز برای سلجوقیان بود. واژگان کلیدی: آذربایجان، آناتولی، قبایل ترکمنان، غزها، سلجوقیان، بیزانس (روم)

The Role of Azarbaijan in the Conquest Of Anatolia by the Seljuqids (With a Special Emphasis On the Activities of the Turkmen)

Aziz Taleei Garah - Gheshlagh³

Muhammad Taghi Emami Khoei⁴

Abstract

Like other periods in the history of Iran, Azarbaijan has had a significant role in the historical developments of Iran, especially in the history of the Seljuk. By studying and analyzing the main sources on the history of the Seljuk, it becomes clear that from the first half of the 5th A.H. large groups of Turkmen (variously termed as Ghaz or Oghuz) immigrated to Azarbaijan near the borders of Byzantium. From this very period, Azarbaijan has significantly functioned as the main base of the Turkmen and the Seljuqids. This study aims to answer the question that what role Azarbaijan played in the conquer of Anatolia, which was a part of the Byzantium Empire then? This study is based on a historical - analytical method. The results of the study indicated that Anatolia had a significant role both in the emigration of the Turkmen from Azarbaijan to Anatolia and the expansion of the Seljuqs' territories in Anatolia.

Keywords: Azarbaijan, Anatolia, Turkmen tribes, the Seljuqs, Byzantine.

۱. دانشجوی دکتری تاریخ دانشگاه شهید بهشتی و عضو هیأت علمی دانشگاه ارومیه *تاریخ دریافت: ۱۳۹۱/۷/۲۵ تاریخ

پذیرش: ۱۳۹۱/۹/۱

۲. استادیار گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی شهر ری

۳. PhD Student of History, Department of History Shaid Beheshti University and Faculty member of Urmia University. Email: a_taleei@yahoo.com

۴. Assistant Professor, Department of History, Islamic Azad University Shahr_e_Rey Branch

مقدمه

سلجوقیان در سه دهه اول قرن پنجم قمری با دولت‌های قراخانی و غزنوی درگیر شدند. آنها که بر اثر ازدیاد نفوس و کمبود چراگاه و عوامل دیگر به خراسان و ماوراءالنهر مهاجرت کرده بودند، با شکست نهایی غزنویان در نبرد دندانقان (۴۳۱ ق.) هم استقلال سیاسی خود را به دست آوردند و هم حکومتی وسیع و پهناوری را تشکیل دادند، که در اعلی درجه وسعت خود از ترکستان تا مدیترانه امتداد یافت. در پی پیروزی سیاسی - نظامی در نبرد مذکور سلجوقیان و اتباع ترکمن آنها وارد ایران شده و در نقاط مختلف آن به ویژه آذربایجان پراکنده شدند و از طریق آن آناتولی را به عنوان یکی از مقاصد اصلی توسعه طلبی خود برگزیدند.

اگر چه مهاجرت‌ها و حضور متوالی و گسترده ترکان به آذربایجان بعد از ایجاد دولت سلجوقی و ادوار بعد از آن صورت گرفت. لیکن دستجاتی از ترکمن‌های عراقی (غزهای عراقی) پیش از آن زمان یعنی از دوره سلطان محمود غزنوی به آذربایجان آمده بودند.^۵ به عبارت دیگر علاوه بر ترکمن‌های عراقی، موج‌های وسیعی از اغوزهای آسیای مرکزی نیز به دنبال پیروزی سلجوقیان وارد ایران شدند. سلاطین سلجوقی حضور ترکمن‌های سرکش را به زیان خود می‌دیدند و می‌کوشیدند آنها را به مرزهای شمال غربی ایران سوق دهند. در همین زمان آذربایجان و آناتولی به صورت مکان‌های اصلی تجمع ترکمن‌ها در آمده بود.

بنابراین آغاز جابه جایی و مهاجرت اقوام ترک (غز / اغوز) ماورای جیحون و سیردریا نه تنها برای جهان ایرانی اهمیت داشت و موجب دگرگونی‌های سیاسی، قومی و نظامی در این سرزمین گردید. بلکه برای سراسر خاورمیانه مهم بود.^۶ بسیاری از ترکمنان با عبور از ایران و آذربایجان، راهی کارزارهای جهادی سرزمین‌های مسیحی‌نشین می‌شدند. مناطق همجوار در غرب و شمال آذربایجان در آناتولی و قفقاز محل‌های مناسب و حتی مساعدتر از آذربایجان برای ترکمنان سلجوقی بود. عثمان توران مورخ ترک در این باره می‌نویسد:

امواج انسانی ترک‌ها که به ویژه در دوران سه سلطان اول سلجوقی از ترکستان به خراسان و در نهایت به آذربایجان سرازیر می‌شدند، قسمتی از آنها به دلایلی مجبور بودند به سمت آناتولی راهی

۵. از جمله مقالاتی که به موضوع مهاجرت و قدرت‌گیری ترکان در ایران و ایالت مهم آن آذربایجان پرداخته‌اند: محمدجواد مشکور، «ترکان غز و مهاجرت ایشان به ایران»، مجله بررسی‌های تاریخی (سال پنجم، ش ۴، ۱۳۴۹)؛ صالح پرگاری، «روند قدرت‌گیری ترکان در تاریخ ایران»، پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی، ش ۳۴ (تابستان ۱۳۸۱).

۶. ادموند کلیفورد باسورث «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران»، تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کمبریج، ج ۵، به کوشش رن. فرای، ترجمه حسن انوشه (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳)، ص ۱۹۴ - ۱۹۳.

شوند و در سرزمین‌های مسیحی بیزانس صاحب سرزمین و وطن برای خود گردند. ترک‌ها پیش از این مهاجرت‌ها در جنگ‌های عباسیان در مناطق سرحدی با بیزانس در قسمت‌هایی از آناطولی حضور یافته بودند. بنابراین در این خطه، بیگانه به حساب نمی‌آمدند. اما این دفعه یعنی در دوره سلجوقی صرفاً به خاطر جهاد نیامده بودند. هدف مهم آنها اسکان در آناطولی و ایجاد وطن برای خود در آناطولی بود.^۷

هدف پژوهش حاضر شناخت جایگاه و نقش آذربایجان در روندهای تاریخی است که بر اثر آن ترکمانان و دولت سلجوقی (سلاطین بزرگ سلجوقی) توانستند بخش‌های مهمی از قلمرو بیزانس را در شرق آناطولی به تصرف خود در آورند قبایل ترکمان در شکل حرکت‌های تهاجمی و مهاجرت‌های فصلی و تدریجی و به منظور کسب مراتع و غنایم جنگی وارد آناطولی می‌شدند زیرا حیات اقتصادی آنها وابسته به تأمین مراتع و اقامتگاه‌های مساعد بود در حالی که دولت سلجوقی با اتخاذ استراتژی‌های سیاسی - نظامی هدفدار (به ویژه بعد از نبرد ملازگرد) قصد گسترش نفوذ و توسعه قلمروی سیاسی خود در آناطولی را داشت.

بنابر آنچه گفته شد در پاسخ به پرسش این پژوهش که آذربایجان در فتح آناطولی چه نقشی داشت، اجمالاً می‌توان گفت که این سرزمین برای قبایل ترکمن و روسای آنها به عنوان محل مهاجرت و اسکان و برای دولت سلجوقی به عنوان قرارگاه و پشت جبهه فتوح و توسعه نظامی - سیاسی در آناطولی درآمد. این موضوع تاکنون به صورت پژوهشی مستقل مورد بررسی قرار نگرفته است. فقط در آثار برخی محققان که در متن مقاله به آنها استناد خواهد شد، اشاره‌های کوتاهی در باره اهمیت آذربایجان برای سلجوقیان به چشم می‌خورد.

بر این اساس یافته‌های این پژوهش را می‌توان در دو نکته اصلی خلاصه کرد: نخست آن که آذربایجان در آستانه تشکیل دولت سلجوقی و بعد از آن نقش مهم پایگاه و پل عبور ترکمانان به آناطولی را بازی کرد و از دیگر سو با روی کار آمدن سلجوقیان و گسترش قلمرو آنها بر سرتاسر ایران، آذربایجان به صورت قرارگاه و مرکز اصلی مدیریت و تدارکات جنگی دولت سلجوقی در حمله و فتح سرزمین‌های مسیحی‌نشین آناطولی درآمد. سه سلطان اول سلجوقی با عزیمت به آذربایجان سفرهای جنگی خود را در آناطولی آغاز می‌کردند.

زمینه‌های حضور ترکمانان در آذربایجان

عوامل گوناگون سیاسی، طبیعی - جغرافیایی و انگیزه‌های اقتصادی و جهادی زمینه‌های حضور

ترکمانان را در آذربایجان فراهم آوردند. با پیروزی سلجوقیان در نبرد دندانقان در عرض مدت کوتاهی همه ایران در اختیار و سلطه ترکمنان سلجوقی قرار گرفت. استیلای سیاسی و نظامی سلجوقیان امواج مهاجرت ترکمنان و غازیان (غازیان جماعتی از همان ترکمانان بودند) را نیز در پی داشت. در میان ایالات ایرانی، آذربایجان در شمال غرب ایران، بیش از سایر جاها مورد توجه ایلات ترک قرار گرفت. با اندکی دقت می‌توان گفت تا قبل از نبرد ملازگرد (۴۶۳ ق) مقصد نهایی و نقطه تمرکز بسیاری از این مهاجرت‌ها آذربایجان بوده است. ترکمن‌های سلجوقی پیش از تشکیل دولت سلجوقی تحت عنوان غزهای عراقی در آذربایجان حضور یافته بودند^۸ با تأسیس دولت سلجوقی و ضبط آذربایجان، گروه‌های جدید با انگیزه‌های مضاعفی وارد این خطه شدند. تقریباً از همین زمان‌ها آذربایجان به عنوان پایگاه اصلی توسعه‌طلبی و انگیزه‌های جهادی آنها درآمد. این ناحیه در انتهای یک سه راهی قرار دارد که از ری و شمال ایران می‌گذرد و از راه ری بود که ترکمنان از خراسان و ماورای آن سرازیر گردیدند. دره‌های حاصل‌خیز و جلگه‌های آذربایجان مراتع بسیاری برای صحراگردان فراهم می‌ساخت.

افزون بر این، آذربایجان هم‌مرز سرزمین‌های مسیحی‌نشین - بیزانس و ارمنستان - بود و از این لحاظ سنت دیرپای جهاد با کفار را نیز داشت. این سنت ریشه در فعالیت‌های جهادی اعراب در قرون نخستین اسلامی داشت) و علاوه بر عوامل طبیعی و مذهبی از نظر سیاسی نیز آذربایجان برای تجمع ترکمانان سلجوقی موقعیت مساعدی داشت. در آذربایجان و شمال غرب ایران حکومت‌های قدرتمندی نظیر قدرت‌های شرق و مرکز ایران وجود نداشت. در آن مناطق خاندان‌های ضعیفی نظیر شدادیان و روآدیان حکومت می‌کردند که در جستجوی یافتن متحدانی علیه رقبای خود بودند به همین جهت وهسودان حاکم روآدی آذربایجان از نخستین دستجات ترکان غز^۹ (عراقی) که به آذربایجان می‌آمدند به گرمی استقبال کرد تا از آنها در مقابله با دشمنان به ویژه گرجی و ارمنی استفاده نماید؛ همه این عوامل در تبدیل آذربایجان به مرکز مهاجرت و تجمع غزها مؤثر واقع شد. ولی در آن روزگاران وجود غیرمسلمانان در مرزهای غرب و شمال غرب آذربایجان یعنی رومی‌ها و ارمنی‌ها مانع از حضور آنها در آناتولی بودند. بنابراین ترکان بتدریج از دوره سلجوقی و حتی پیش از آن تحت عنوان غزهای عراقی به آذربایجان آمدند و در آنجا متراکم شدند و به دنبال

۸. عزالدین ابن‌الاثیر، تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران، ترجمه علی هاشمی حائری (تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، ۱۳۶۸) ج ۱۶، ص ۹۵ - ۹۲ - ۹۱.

۹. ترکان غز همان ترکمانان هستند که سلجوقیان نیز یکی از قبایل غز به نام قینیق را تشکیل می‌دادند. بعد از پذیرش اسلام از سوی ترکان غز (اغوز) در منابع ترکمن نیز نامیده شده‌اند. بنابراین تفاوتی میان ترکان غز و ترکمن علی‌الاصول وجود ندارد.

جاهای دیگری برای خود بودند و چون امکان فعالیت جهادی در داخل ایران و آذربایجان برای آنها وجود نداشت و از طرف دیگر حیات اقتصادی آنها وابسته به تأمین مراتع جهت دام‌هایشان بود. در این اوضاع و احوال بهترین منطقه برای فعالیت و اسکان جمعیت‌های انبوه (سرریز) ترکان در آذربایجان، آناتولی بود.

در چنین شرایطی هر دو وجه موقعیت سیاسی - استراتژیک و اقلیمی طبیعی آذربایجان، این سرزمین را برای ترکمانان به عنوان محل اصلی مهاجرت و سکونت درآورد. این ناحیه برای نظام سلجوقی نیز، به عنوان پایگاه و قرارگاه اصلی برنامه‌ریزی و تدارکات جنگی در حمله به سرزمین‌های مسیحی‌نشین آناتولی نقش انکارناپذیری ایفا کرد. گفتنی است که آذربایجان در دستیابی سلجوقیان به قفقاز نیز نقش بارزی داشته است که پرداختن به آن از موضوع این مقاله خارج است.

تفرقه، آشفتگی و پراکندگی سیاسی جهان اسلام، در آستانه ورود سلجوقیان به سرزمین‌های اسلامی، نیز از دیگر زمینه‌هایی است که باعث مهاجرت و حضور ترکمانان در آذربایجان شد. خلافت عباسی و دولت‌های اسلامی واقع در نزدیکی مرزهای روم دچار ضعف سیاسی و نظامی بودند و بی‌زانس سیاست تهاجمی در قبال مسلمانان اتخاذ کرده بود و حمدانیان موصل و حلب و آل‌بویه و خلافت عباسی را تهدید به براندازی کرده بود. در چنین شرایطی بود که سلجوقیان و گروه‌هایی از ترکمانان از نیمه اول قرن پنجم قمری نخست در آذربایجان و سپس در آناتولی ظاهر شدند.^{۱۰}

در چنین اوضاع و احوالی آمدن ترکمن‌ها به آذربایجان در سرنوشت سیاسی دولت‌های محلی به ویژه مسلمانان مرزنشین نیز مفید و مؤثر واقع شد. قدرت‌های حاکم بر آذربایجان به تدریج در برابر دول مسیحی همجوار خود در روم و گرجستان حالت تهاجمی به خود گرفتند، در حالی که پیش از حضور ترکمانان در آذربایجان، رومیان و گرجیان هر وقت قدرت و فرصت می‌یافتند به نواحی مختلف آذربایجان می‌تاختند، اما با آمدن ترکمانان و استیلای سیاسی سلجوقیان ورق برگشت و آنها در معرض حملات ترکمانان و نظام سلجوقی قرار گرفتند که در سطور آتی به آنها پرداخته خواهد شد. ناگفته نماند که این وضعیت مساعد ایجاد شده همان گونه که اشاره خواهد گردید گاهی به بهای ناگواری‌هایی نیز حاصل شد.

مورد دیگری که به نظر می‌رسد شرایط را برای حضور سلجوقیان در مرکز و غرب ایران از

۱۰. ناصر صدقی، «سیاست‌های سلجوقیان در تصرف سرزمین‌های رومی قفقاز و آناتولی»، دوفصلنامه تاریخ ایران بعد از اسلام، ش ۴ (بهار و تابستان ۱۳۹۱)، ص ۸۴، نک. جوئل کرومر، احیای فرهنگی ایران در عهد آل‌بویه، ترجمه محمدسعید خنایی کاشانی (تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵)، ص ۱۴۷ - ۱۴۴.

جمله آذربایجان فراهم کرد، این بود که آل بویه به دلیل وضعیت نامساعدی که مقارن روی کار آمدن سلجوقیان دچار آن شده بود به مسئولیت خطیر خود در مقابله با آن قوم نو رسیده در مرکز ایران نتوانست جامه عمل بپوشاند. ظهور مقتدرانه و بی سابقه سلجوقیان بویهیان را در محاق فرو برد. آنها به جای پرداختن به دفع تهاجمات سلجوقیان به درگیری با رقبای خود پرداختند و حتی برای شکست دادن رقبای خود از بیگانگان استمداد طلبیدند و برای تحکیم روابط، طغرل با دختر ابوکالیجار (امیر خوزستان و فارس) ازدواج کرد و پسر ابوکالیجار، ابومنصور، دختر چغری بیگ را به زنی گرفت. آنها با آوردن نام طغرل در خطبه به سیادت او گردن نهادند.^{۱۱}

همه این عوامل و نبود قدرت محلی قوی در خود آذربایجان و وجود بحران در خلافت عباسی و دولت‌های منطقه‌ای در اوایل قرن پنجم قمری و اوضاع نابسامان بیزانس در داخل و خارج، باعث گردید، استقرار ترکمانان و سلطه سیاسی - نظامی دولت سلجوقی در این ناحیه به راحتی انجام پذیرد.

حملات ترکمانان از آذربایجان به آناتولی تا تشکیل دولت سلجوقی

شواهدی در دست است که نشان می‌دهد، ترکان سلجوقی در گرماگرم نبرد با غزنویان یعنی قبل از آن که موفق به تشکیل سلسله سلجوقی شوند، در فکر و اندیشه مهاجرت به غرب و آذربایجان بودند. همان گونه که قبلاً اشاره گردید دستجاتی از ترکان پیش از تشکیل دولت سلجوقی، یعنی از دوره سلطان محمود غزنوی ۴۱۱ ق (۱۰۱۸ م) به آذربایجان آمده بودند.

حاکم آذربایجان در این دوره امیر وهسودان روادی بود. آمدن ترکان غز به آذربایجان در زمان او یکی از حوادث مهم تاریخ آذربایجان است. این حادثه از لحاظ تاریخ ایران، اسلام و مناطق اطراف به ویژه آناتولی نیز نقطه عطف مهمی است.

بعد از اینکه دولت سلجوقی به صورت حکومتی بزرگ در سرزمین‌های وسیعی از جهان اسلام درآمد، مهاجران غز با سرعت فزاینده‌ای و در قالب امواج پی در پی به خراسان و از آنجا به آذربایجان آمدند. ناحیه آناتولی و قفقاز در نزدیکی آذربایجان به تدریج به عنوان یک میدان وسیع جهادی برای تداوم روحیه جنگندگی و امیال و اهداف غارتگرانه ترکمانان غز درمی‌آمد.

در مدت کوتاهی و در رأس همه سرزمین‌ها، آذربایجان و پس از آن نواحی مابین قفقاز و

سوریه شاهد حضور قبایل انبوه ترکمن گردید.^{۱۲} با این همه ورود ترکان به آذربایجان و از طریق آن به آناتولی در مدت کوتاهی صورت نگرفت. این حرکت مهاجرتی به طور تقریبی نزدیک به دو قرن طول کشیده است.^{۱۳} در سال ۴۱۰ قمری (۱۰۱۸ م) که چغری بیگ و نیروهای نیزه‌دار تحت امرش در حوالی دریاچه وان دیده شده‌اند،^{۱۴} این حرکت آنها نقطه آغاز حملات و مهاجرت‌های ترکمن‌ها به آذربایجان و آناتولی بود. نیروهای شاهزاده نشین ارمنی واسپورگان^{۱۵} در شرق آناتولی از قوای چغری بیگ شکست خوردند، با این وجود چغری بیگ مدت زیادی در این مناطق نماند و دوباره به خراسان برگشت.^{۱۶} ابن‌اثیر زمان ورود این دسته از ترکمنان به آذربایجان را که دو هزار خرگاه بودند سال ۴۲۰ قمری ذکر کرده است.^{۱۷} به نظر می‌رسد ابن‌اثیر در تعیین زمان دقیق ورود این دسته از ترکان که از آذربایجان راهی شرق آناتولی نیز شدند دچار اشتباه شده است. کسروی با کمک منابع ارمنی درصدد رفع اشتباه ابن‌اثیر برآمده و چنین می‌نویسد: «از این دسته نخستین غزان حادثه جداگانه که معروف است تاختن ایشان به واسپورگان و جنگشان با ارمنیان است. چامچیان مورخ معروف ارمنی این حادثه را در سال ۱۰۲۱ میلادی (۴۱۲ ق) دانسته، می‌نویسد: در این سال ترکان همچون تند سیل به آذربایجان رسیده بودند روی به نواحی ارمنستان آورده و به واسپورگان درآمدند.»^{۱۸}

دستجات نخستین غزها که در آذربایجان و آناتولی ظاهر شدند به «غزهای عراقی»^{۱۹} نیز مشهور بودند. به نوشته ابن‌اثیر سلطان محمود غزنوی پس از دستگیری ارسلان (اسرائیل) بیغوی غزها به تنبیه غزهایی که وارد خراسان شده و غارت می‌کردند، پرداخت. تعدادی از غزها از ترس سلطان محمود و نیز ستم مأموران مالیاتی تاب تحمل نیاوردند و از خراسان به کرمان و اصفهان

12. Nejat Kaymaz, "malazgirt savasi ile Anadolu'nun fethi ve Turklesmesinde dair," *Malazgirt Armagani* (Ankara, T.T.K, 1972), S. 266

13. Faruk Samer, "Anadolu'ya yalniz Gocebe Turkler migeldi," *Bellentent* (Ankara, T.T.K, 1960), S. 572

14. Mateos Urfali, *Vekayiname*, cer. H.D. dereasayan (Ankara 1962), S. 48

همچنین، نک: احمد کسروی، *شهرباران گمنام* (تهران: جامی، ۱۳۷۷) ۱۶۱.

۱۵. شاهزاده ارمنی و اسپورگان سنکریم از خاندان آرجرونی بود که به نوشته منابع ارمنی در وان نشیمن داشت. وی برای مقابله با ترکمن‌ها به سهپید خود شاپور (شاپوه = Sapuh) فرمان داد و او نیز با گردآوری سپاه به همراه داویت (Davit) به رویارویی با ترکمن‌ها پرداخت.

16. Necdet Ozturk, "Cagribey," *Turk dunyasi tarih dergisi* S.16 (Istanbul, 1988) S.42

۱۷. ابن‌اثیر، ۹۲ - ۹۱.

۱۸. احمد کسروی، *شهرباران گمنام*، تهران: جامی، ۱۳۷۷، ۱۶۱.

۱۹. چون شماری از ترکمن‌های سلجوقی به مغرب ایران آمدند که از اوایل دوره اسلامی به جبال و عراق عجم «عراق ایران» معروف بود، لذا این دسته از ترکمن‌ها به ترکمن‌ها و یا غزهای عراقی شهرت یافتند.

رفتند. در آنجا با حاکم اصفهان اختلاف پیدا کرده و به توافق دست نیافتند. در نتیجه پس از درگیری با علاءالدوله دیلمی حاکم اصفهان راه آذربایجان را در پیش گرفتند تا بدانجا رسیدند. وهسودان روادی حاکم آذربایجان به گرمی از آنها استقبال کرد.^{۲۰}

آرایش سیاسی آذربایجان و پیرامون آن از جمله آناتولی در حسن استقبال وهسودان از این دسته ترکان، تأثیر زیادی داشت. وی دشمنان زیادی داشت و گذشته از رومیان، ارمنیان و گرجیان در غرب و شمال غرب آذربایجان که با او دشمنی و درگیری داشتند، برخی فرمانروایان مسلمان از جمله شدادیان و دیگران گاهی به دشمنی با وی برمی‌خاستند.

غزهایی که از ستم و فشارهای حاجب سلطان مسعود یعنی تاش فراش به ستوه آمده بودند از سلطان خواستند تا به آنها اجازه دهد به طرف آذربایجان حرکت نمایند. قبل از صدور اجازه غزهایی که تحت امر و اداره امرایشان یغمر، دانا، گوگتاش، بوقا، قزل و آناسی اوغلی قرار داشتند در دستجاتی انبوه از طریق دامغان، ری و اسحاق‌آباد^{۲۱} روانه آذربایجان شدند. وهسودان با سرکردگان این ترکمن‌ها دیدار و به توافق دست یافت و در این راستا ضمن ازدواج با دختر یکی از آنها تن به خویشاوندی سببی و ازدواج سیاسی با آنها نیز داد.^{۲۲} درست از همان نخستین سال‌هایی که غزها وارد آذربایجان شدند در سودای نفوذ به آناتولی نیز بودند و از همین زمان‌ها آذربایجان در فتح آناتولی و کوچ ترکمن‌ها به آن دیار نقش راهبردی یافت. در سیاست خارجی سلاجقه بزرگ نیز آذربایجان اهمیت زیادی داشت.

دستجاتی از ترکمن‌ها که ذکر آنها گذشت، در ارومیه و اطرافش سکونت گزیدند و پس از مدت زمانی کوتاه شاهزاده‌نشین ارمنی و اسپورگان در شرق آناتولی را در معرض حملات انبوه و مداوم خود قرار داده و با غنایم فراوان به آذربایجان برگشتند. در اثنای این حملات میان مهاجمان ترکمن و کردان هذبانی ساکن در شرق آناتولی اختلافاتی بروز کرد. رییس کردهای هذبانیّه ابولهیجا ربیب‌الدوله بود. وهسودان حاکم آذربایجان ترکمن‌ها را از آزار و اذیت اهالی مسلمان برحذر داشته بود، ولی این انتظار برآورده نشد، به همین جهت در روابط آنها تیرگی پدید آمد، زیرا غزها در مناطق مختلف آذربایجان نیز به چپاول‌گری می‌پرداختند. از جمله گروهی از آنها در سال ۴۲۹ قمری وارد مراغه شده و با ویران ساختن مسجد آن شهر، از عامه مردم به ویژه کردهای هذبانیّه کشتاری عظیم به راه انداختند.^{۲۳}

۲۰. ابن‌اثیر، ۹۲ - ۹۱.

۲۱. براساس نوشته ابن‌اثیر به نظر می‌رسد، اسحاق‌آباد از اعمال ری و در نزدیکی آن باشد. همان، ۹۳.

۲۲. همان، ۹۶ - ۹۳.

۲۳. همان، ۹۶.

این امکان نیز وجود دارد این عمل غزاها در حمله به مراغه به درخواست و با هماهنگی وهسودان صورت گرفته باشد. چون وی با ابوالهیجا رییس کردهای هذبائیّه اختلاف داشت.^{۲۴} ترکمن‌هایی که در اطراف ارومیه اسکان یافته بودند در سال ۴۳۲ قمری در حمله‌ای جداگانه به حکاری در شرق آناطولی آنجا را نیز غارت کردند، این حمله شکایت حاکم مروانی یعنی نصرالدوله از طغرل را در پی داشت.^{۲۵} در همین سال ترکمن‌های مهاجم برای دومین بار وارد دیاربکر و جزیره واقع در شرق آناطولی شدند و حملاتی نیز به سرزمین‌های ارمنی‌نشین داشتند و پس از به دست آوردن غنایم انبوه به آذربایجان بازگشتند. به نوشته ابن‌اثیر در این سفر جنگی آنقدر اسیر گرفته بودند که قیمت یک کنیز زیبا در بازار بردگان، پنج دینار شده بود و کسی به غلام مرد توجهی نداشت.^{۲۶} غزاها در سال ۴۳۳ قمری موصل را نیز به تصرف خود درآوردند و به دفعات آنجا را مورد نهب و غارت شدید قرار دادند. قراوش حاکم موصل به کمک دُبیس از قبیله عربی بنی‌عقیل لشکر انبوهی از کردان و اعراب آماده کرد و در رمضان سال ۴۳۵ هجری قمری غزاها را شکست داد. در این درگیری غزاها نزدیک به سه هزار نفر تلفات دادند و مجبور به عقب‌نشینی به سوی آناطولی گردیدند. قراوش مؤدّه پیروزی را به حاکم ارومیه نوشت. ابن ربیب‌الدوله حاکم ارومیه به پیکی که نامه را آورده بود گفت: «این شگفت است، این قوم چون از بلاد من عبور کردند، بر پلی بایستادم که ناگزیر بودند از روی آن بگذرند و کس گماشتم آنها را بشمارد و تعدادشان زیاده بر سی هزار نفر با اطرافیان‌شان بودند، و همین که پس از هزیمت بازگشتند عده‌شان به پنج هزار نفر هم نمی‌رسید و اینها یا کشته شده‌اند و یا به هلاکت رسیده‌اند.»^{۲۷}

به نظر می‌رسد تعداد زیادی از ترکمن‌ها بعد از شکست از حاکم موصل به آناطولی برگشتند زیرا حاکم موصل به صراحت از کشته شدن سه هزار نفر از آنها یاد کرده است، بر این اساس غیر از پنج

24. Faruk Sumer, *Oguzlar* (Ankara, 1972), S.81.

۲۵. طغرل خود را صاحب اختیار همه غزاها می‌دانست و حاکمان عراق و موصل نیز همین طرز تلقی را در رابطه غزاها به طغرل داشتند. به همین جهت در پاسخ به شکایات نصرالدوله مروان و جلال‌الدوله بویه حکام جزیره و عراق طی نامه‌هایی از بدرفتاری غزاها در آن نواحی پوزش خواست و گفت این ترکمنان (غزاها) بندگان و تابعان و رعایای ما هستند که سزاوار تنبیه و گوشمالی هستند، نک: ابن‌الاثیر، ۱۰۴ - ۱۰۳ - ۱۰۰؛ باسورث، ۴۸.

۲۶. ابن‌الاثیر، ۱۰۴ - ۱۰۳ - ۱۰۰.

۲۷. فرقی بین کشته شدن و یا به هلاکت رسیدن وجود ندارد فقط به جهت رعایت امانت در نقل مستقیم عین عبارات ابن‌الاثیر در ترجمه فارسی آورده شد. برای بررسی بیشتر به متن عربی‌الکامل نیز رجوع گردید که تقریباً ترجمه فارسی مطابق با متن عربی است. «فلما عاد و هزیمتهم لم یبلغو خمسة آلاف رجل، غایما ان یكونوا اقلوا و هلكوا.» عزالدین، ابن‌الاثیر، *الکامل فی التاریخ*، ج ۹ (بیروت، دار صادر، ۱۹۶۵)، ۳۹۱ و ابن‌الاثیر، ۱۰۶ - ۱۰۵.

هزار نفری که از طریق ارومیه به آذربایجان برگشتند قریب به بیست هزار نفرشان نیز به آناطولی برگشتند و در آنجا ساکن شدند.^{۲۸} گمان می‌رود تعداد ترکمن‌هایی که تا سال ۴۳۳ از خراسان به آذربایجان و آناطولی آمده بودند حدود هفتاد الی هشتاد هزار نفر بودند،^{۲۹} زیرا تعداد ۳۰ هزار نفر از ترکمن‌هایی که از آذربایجان به آناطولی کوچ کردند و سه هزار نفرشان در موصل کشته شدند و فقط بخشی از آنها بودند که در آذربایجان حضور یافته بودند.

در این مورد زکی ولیدی طغان مورخ شهیر ترک ملاحظاتی دارد که اگر در حد فرضیه نیز باشد باز این نتیجه به دست می‌آید که تعداد ترکمن‌های حاضر در آذربایجان و آناطولی قریب به هفتاد تا هشتاد هزار نفر بودند. ارسالن ییغو در حین اسارت در دست غزنویان به نیروهای تحت امرش که بالغ بر صد هزار نفر می‌شدند، اشاره کرده بود.^{۳۰} می‌توان گفت که قبایل ترکمن که زیر نظر و مدیریت ارسالن ییغو زندگی می‌کردند تا حدود نیم میلیون نفر می‌شدند.^{۳۱}

تنها در سال ۴۳۵ قمری (۱۰۴۳ م) که طغرل بیک در ری در حال استقرار بود تعداد

۲۸. ابن اثیر از قول حاکم ارومیه تعداد غزهایی را که اندکی بعد از تأسیس دولت سلجوقی از آذربایجان راهی آناطولی شدند و درگیری‌هایی با حاکمان دیاربکر و جزیره و موصل پیدا کردند بالغ بر سی هزار نفر ذکر می‌کند چون ابن‌اثیر به صراحت از کشته شدن سه هزار نفر از آنها در موصل و نیز از بازگشت حدود پنج هزار نفر از آنها به آذربایجان (ارومیه) خبر می‌دهد، پس می‌توان به این نتیجه رسید که قریب به بیست هزار نفر از آنها نیز در شرق آناطولی سکونت یافتند. (ابن‌اثیر، ۱۰۶ - ۱۰۵)

۲۹. هرچند دربارهٔ تعداد دقیق غزهایی که تا اوایل دههٔ چهارم قرن پنجم هجری قمری از خراسان به آذربایجان و از آنجا به آناطولی آمدند، نمی‌توان آمار دقیق و قطعی داد اما می‌توان با استفاده از منابع به گمانه‌زنی پرداخت. میرخواند در *روضه‌الصفاء* و خواندمیر در *حبیب‌السیر* از حضور سی هزار نفر از غزها در اوایل قرن پنجم هجری در آذربایجان و آناطولی خبر می‌دهند و نوشته‌اند قبل از آنها نیز ترکمن‌ها در این نقاط حضور داشته‌اند، یک منبع ارمنی نیز از حضور انبوه ترکمن‌ها در همین زمان‌ها آگاهی می‌دهد و مهمتر از اینها بیشترین اطلاعات از مهاجرت‌های غزها به آذربایجان و آناطولی از آن ابن‌اثیر است. از نوشته‌های او می‌توان دریافت که غزها حداقل چهار بار در نیمهٔ اول قرن پنجم هجری به آذربایجان و آناطولی آمده‌اند. براساس روایت وی تنها در اولین مهاجرت تعداد دو هزار خرگاه (هر خرگاه شش یا هفت نفر) به آذربایجان رسیدند. در مهاجرت‌های بعدی نیز هزاران نفر دیگر به این منطقه آمدند که براساس آنها آمار هفتاد الی هشتاد هزار نفر را می‌توان تخمین زد. (جهت اطلاعات بیشتر، نک: محمد بن خاوندشاه بن محمود میرخواند، *روضه‌الصفاء*، تصحیح و تحشیه جمشید کیان‌فر (تهران: اساطیر، ۱۳۸۵) ج ۶، ۳۱۲۵ - ۳۱۲۴ و *غیاث‌الدین بن همام‌الدین خواندمیر*، *حبیب‌السیر*، تصحیح زیر نظر محمد دبیرسیاقی (تهران: خیام، ۱۳۵۳) ج ۲، ۴۸۱ و ابن‌الاثیر، ج ۱۶، ۹۲ الی ۱۰۶ و کسروی، *شهریاران گمنام*، S. 48، 156 - 173)

۳۰. محمد بن علی بن سلیمان راوندی، *راحة‌الصدر و آية‌السرور*، تصحیح محمد اقبال (تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲) ۸۹؛ محمود بن محمد آفسرابی، تاریخ سلاجقه، تصحیح عثمان توران (تهران: اساطیر، ۱۳۶۲)، ص ۱۲؛ ظهیرالدین نیشابوری، *سلجوقنامه*، تصحیح اسماعیل خان افشار (تهران: کلاله خاور، ۱۳۳۳)، ص ۱۱.

۳۱. طغان به استناد پرسش و پاسخ‌های سلطان محمود و ارسالن ییغو (اسرائیل) که در بسیاری منابع اصلی و فرعی در مورد تعداد نفوس و نیروهای تحت امر ارسالن به آن اشاره کرده است که براساس آنها علاوه بر صد هزار نفر از نیروهای تحت امرش، سیصد و پنجاه هزار قبایل ترکمن نیز تحت نظر و مدیریت او بوده‌اند.

ترکمن‌های همراهش افزون بر پانزده هزار نفر می‌شد.^{۳۳} بعد از ضبط آذربایجان توسط سلطان طغرل، این ناحیه به دلایل متعدد سیاسی و طبیعی و دینی مقصد نهایی بسیاری از ترکمن‌هایی گردید که از آنجا به جهاد و غزوه در غرب می‌رفتند که در صفحات آتی به تشریح آنها می‌پردازیم.

نقش آفرینی آذربایجان در سیاست گسترش ارضی سلجوقیان بزرگ در آناتولی

تشکیل دولت سلجوقی در خراسان قدرت‌گیری سلجوقیان در نواحی مرکزی ایران، عراق و آذربایجان را در پی داشت بود. سلجوقیان با بهره‌گیری از زمینه‌ای که با مهاجرت ترکمنان، پیش از این در آذربایجان به وجود آمده بود، به آن نواحی تاختند و بخش اعظم آن مناطق را به تصرف درآوردند.^{۳۳} در این میان مناطق شمال غربی ایران یعنی آذربایجان و ارزن و آناتولی بیشتر مورد توجه ترکمنان و سلجوقیان قرار گرفت و به علت وجود چراگاه‌ها و مناطق مساعد برای دامداری، ترکمن‌ها بدان نواحی کوچ کردند. البته آذربایجان نقطه کانونی و محوری و محل تجمع آنها گردید. زیرا کوچ‌ها و حملات نظامی ترکمن‌ها و سلاطین سلجوقی به آناتولی و قفقاز و حتی عراق و شام از طریق آذربایجان صورت می‌گرفت. در زیر به تداوم نقش و اهمیت آذربایجان در سیاست سه سلطان اول سلجوقی در آناتولی پرداخته می‌شود.

دوره سلطنت طغرل

طغرل بیگ سلجوقی، بعد از این که بر مناطق مرکزی ایران تسلط یافت، متوجه آذربایجان شد. در این زمان خطر عمده‌ای که منطقه را تهدید می‌کرد، پیشروی دولت بیزانس بود و لذا برای مقابله با بیزانس، طغرل درصدد برآمد تا با راه‌یابی به آذربایجان و مناطق همجوار آن، جبهه‌ای بزرگ و قوی در برابر پیشروی رومی‌ها به سوی ایران بگشاید.^{۳۴}

سابقه آشنایی ترکمنان از منطقه آذربایجان و همچنین وجود مراتع فراوان آن که برای ترکمنان

32 - A.Z.V Togan, *Umimi Turk tarihina giris* (Istanbul, 1970) S.191

۳۳. و. مینورسکی، پژوهش‌هایی در تاریخ قفقاز، ترجمه محسن خادم (تهران: بنیاد دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵) ۷۶ - ۷۴؛ همچنین نک: صالح پرگاری «روند قدرت‌گیری ترکان در تاریخ ایران»، پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی، ش ۳۴ (تابستان ۱۳۸۱)، ص ۲۶۶.

۳۴. عبدالرحمن ابن خلدون، العبر (تاریخ ابن خلدون)، ج ۴، ترجمه محمد ابراهیم آیتی (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸)، ص ۱۳.

دامدار، معیشت را تسهیل می‌نمود.^{۳۵} همچنین موقعیت زیست محیطی مناسب برای کوچ و بیلاق و قشلاق، جاذبه‌هایی بود که سلاطین سلجوقی برای کوچ طوایف جدید ترکمان به آذربایجان و تحقق سیاست خود، توانست از آن سود جوید. طغرل به سرعت شمال غرب ایران را به تصرف درآورد و حکام محلی با پذیرش تابعیت او بر حکومت خود باقی ماندند.^{۳۶} از آنجا که سلجوقیان وارد درگیری مستقیمی با امپراتوری بیزانس شده بودند، آذربایجان می‌توانست به عنوان پایگاه مناسبی مورد توجه آنان قرار گیرد. از این رو، آذربایجان در زمان سلجوقیان اهمیتی بیش از گذشته پیدا نمود و ترکمان فراوانی را در خود جای داد و کوچ ترکمن‌ها به آناتولی نیز از طریق آذربایجان که به صورت پایگاه آنها درآمده جامعه عمل پوشید.

همان گونه که پیش از این اشاره گردید، با تشکیل دولت سلجوقی و مهاجرت گسترده قبایل اغوز به ایران آذربایجان به دلیل شرایط مساعد طبیعی و آب و هوایی و... توجه ایلات ترک را بیش از سایر نقاط ایران جلب نمود. مهاجرت مداوم و پرشدن قلمروهای مختلف از ترکمن‌ها حکام سلجوقی را مجبور نمود با سیاست گشودن مناطق جدید، اسکان ایلات ترکمن را در مناطقی که با خلق و خوی و نحوه زندگی آنها سازگاری داشته باشد، میسر سازند، لذا آناتولی را برای اهداف توسعه طلبانه خود انتخاب کردند. یورش سلجوقیان مواضع تدافعی مسلمانان را در برابر بیزانس که در اثر ضعف عمومی دنیای اسلام پیش آمده بود، جنبه تهاجمی بخشید.^{۳۷} بنابراین آذربایجان از همه نظر در کانون و مرکز سیاست‌های سیاسی و نظامی سلجوقیان قرار گرفت و هر چند به پایتختی انتخاب نگردید ولی نقش اساسی را در گسترش قلمروهای ارضی سلجوقیان در غرب بازی کرد.

بسیاری از شهرهای آذربایجان به ویژه شهرهای غربی آن از جمله خوی، سلماس و ارومیه نقش یک پایگاه نظامی را برای سلجوقیان بازی می‌کردند.^{۳۸} با در نظر گرفتن این نکته که آناتولی به لحاظ موقعیت جغرافیایی و سوق الجیشی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود و در قلمرو روم قرار داشت، روی این اصل سلجوقیان به عنوان یک قدرت نوظهور سعی در نفوذ و سلطه بر آن داشتند.

۳۵. ابوعبدالله محمد مقدسی، *احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم*، ج ۲، ترجمه علینقی وزیر (تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان

ایران، ۱۳۶۱)، ص ۵۵۳

۳۶. همان، ۱۳۰؛ باسورث، همان، ۴۰

۳۷. محمدتقی امامی خویی، «نبرد ملازگرد یا خندق دوم دنیای اسلام»، *مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء*، س ۱۵، ش ۵۳

(بهار ۱۳۸۴)، ۴۹

۳۸. محمدتقی امامی خویی، «خوی در زمان سلجوقیان»، *خوی دیار باصفا* (تهران: مرکز خوی‌شناسی وابسته به مجمع

خویی‌های مقیم تهران، ۱۳۸۹)، ۳۱

تهاجم گسترده ترکان اغوز به آذربایجان ایران و پر شدن جلگه‌ها و مراتع مناسب آن موجب گردید حاکمان سلجوقی، نیروهای ترک تازه وارد را به مناطق دور دست روم اعزام کنند.^{۳۹} در راستای این سیاست سلجوقیان، آذربایجان به عنوان محل تجمع ترکمنان اغوز درآمد و نقش اصلی را در سیاست‌های نظامی حاکمان سلجوقی ایفا کرد. این نکته‌ای است که می‌توان از بررسی متون و منابع اصلی دوره سلجوقی به آن پی برد. ابن اثیر از قول ابراهیم ینال^{۴۰} برادر مادری طغرل که حاکم همدان و پیرامونش بود^{۴۱} بیان کرده است: «اینال به آنها [غزهایی که از ماوراءالنهر آمده بودند] گفت: بلاد من برای جای دادن به شما و رفع نیازمندی‌هایتان تنگ است و رأی من آن است که به غزای روم بروید و در راه خدا جهاد کنید و غنیمت بیابید، من هم در اثر شما خواهم آمد و به شما یاری خواهم کرد.»^{۴۲}

قلمرو روم (بیزانس) در غرب آذربایجان برای تداوم فتوحات سلجوقی و گسترش اسلام در آن نواحی منطقه مهم و مناسبی بود. ترکان در حاکمیت سلجوقی به مرزهای بیزانس راه یافته و در آن متمرکز شده بودند. برای آنها، آناطولی بهترین منطقه جغرافیایی برای تداوم حیاتشان بود. آرمان جهاد و غزا در راه اسلام نیز موجب تقویت روحیات قهرمانانه ترکمنان و غازیان جنگاور شده بود. علاوه بر آن برای تداوم زندگی ترکمنان (غازیان) کوچ‌نشین، در اختیار داشتن یک منطقه خوش آب و هوا و پر آب و علف، مانند آناطولی بی‌نیازت داشت.^{۳۳} در سال ۴۳۳ قمری (۱۰۴۲ م) بعد از مرگ یکی از بیگ‌های ترکمن در ری به نام قزل، طغرل بیگ برادرش ابراهیم ینال را به ری فرستاد. ترکمن‌هایی که در ری بودند از ترس ابراهیم ینال آنجا را ترک و مستقیم به طرف غرب حرکت کردند. تعدادی از اینها از طریق شمال عراق وارد آناطولی شدند و در ناحیه دیاربکر مستقر شدند. تعدادی از رؤسای ترکمن‌ها نیز که در آذربایجان بودند از جمله آناسی اوغلی و بغا از ترس ابراهیم ینال با طوایف خود از آذربایجان به آناطولی مهاجرت کردند. به نوشته ابن اثیر سلیمان بن نصرالدوله مروانی با رؤسای ترکمن‌ها دیدار و ضمن توافق با آنها اجازه داد در قصبات و مناطقی از

۳۹. امامی خوبی، «نبرد ملازگرد یا خندق دوم دنیای اسلام»، ص ۴۹.

۴۰. اینال یا ینال نام فردی که مادرش خاتون و پدرش فردی عامی باشد. لازم به ذکر است که ابراهیم ینال برادر ناتنی ملک طغرل سلجوقی که از سوی مادر برادر طغرل محسوب می‌شد نیز به همین دلیل لقب ینال داشته است.

۴۱. ابراهیم ینال بعد از نبرد دندانقان، از طرف طغرل که ری را پایتخت خویش قرار داد، مأمور فتح جبال، فارس و عراق که شامل همدان نیز می‌شد، گردید؛ راوندی، ۱۰۴؛ نیشابوری، ۱۸؛ ابن اثیر، ۲۳۲.

۴۲. ابن اثیر، ۲۵۰.

۴۳. محمد شکر، سلجوقیان (شکست بیزانس در ملازگرد و گسترش اسلام در آناطولی)، ترجمه نصرالله صالحی و علی ارطغرل

(تهران: نشر ادیان، ۱۳۸۵) ۴۲.

الجزیره سکونت یابند.^{۴۴} از این زمان‌ها به بعد است که حملات ترکمن‌های غازی از آذربایجان به آناتولی از حالت حوادث منفرد که بیگ‌های ترکمن با قبایل خود انجام می‌دادند خارج و به صورت سیاست رسمی دولت سلجوقی درمی‌آید.

در سال ۴۳۴ قمری (۱۰۴۳ م) طغرل که در ری حضور داشت، قتلش، رسول تکین، شاهزاده حسن و یاقوتی را جهت استیلا بر آناتولی شرقی موظف نمود. این فرماندهان با قوای تحت امر خود حملاتی را پی در پی به مناطق ارمنی و گرجی صورت دادند.^{۴۵}

علی سویم بدون اشاره به منبع خاصی می‌نویسد: بعد از این که شاهزاده حسن^{۴۶} در حملات خود به اطراف دریایچه وان با نیروهای متفق بیزانس، ارمنی و گرجی که تحت فرماندهی کاتاکالون بودند درگیر شد و در سال ۴۳۸ قمری (۱۰۴۷ م) در زد و خوردی که در کنار زاب بزرگ با آنها داشت شکست یافته و کشته شد.^{۴۷} طغرل بیک، ابراهیم ینال را به عنوان والی کل آذربایجان انتخاب و به او دستور داد به اتفاق قتلش حملاتشان را به آناتولی ادامه دهند. نیروهای تحت امر ابراهیم ینال بعد از فتح ارزروم، اردوی بیزانس را در نزدیکی حسن قلعه با شکست سختی مواجه نمودند پس از این فتح غازیان ترکمن در آناتولی پخش گردیدند. مهاجمانی نیز به حوالی آنکارا رسیدند که با انبوه غنایم بازگشتند. به روایت ابن‌اثیر^{۴۸} ابراهیم ینال در طی این فتوحات که با سودای جهاد در روم صورت داد افزون بر غنایم فراوان و بیشمار با صد هزار اسیر از آناتولی به آذربایجان بازگشت.^{۴۹} سیاست سلجوقیان در آناتولی که از آذربایجان هدایت می‌شد،^{۵۰} گشودن مناطق جدید و اسکان

۴۴. ابن‌الاثیر، "malazgirt meydan savas ve sonuclari" malazgirt Armagani, belleten (Ankara, 1972) S. 219 و Ali Sewim, 201

۴۵. صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی، حسینی، زبدة‌التواریخ، ترجمه رمضان روح‌الهی (تهران: انتشارات ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۰) Sewim, S. 219 و 55

۴۶. حسن پسر موسی ییغو عمومی طغرل که شاهزاده بود. بعد از تأسیس دولت سلجوقی امارت هرات، پوشنگ، سیستان و سرزمین غور از آن او شد. (حسینی، ۵۵)

۴۷. Sewim, همان، S. 219

۴۸. روایات ابن‌اثیر درباره ترکمانان و سپس سلجوقیان در غرب ایران و کردستان و جزیره و آناتولی، منحصر به فرد است. کلود کاهن احتمال می‌دهد وی بر نسخه تاریخ هلال صابی که حوادث تاریخی را تا سال ورود طغرل به بغداد (۴۴۷ ق) نوشته و فقط فضلی از آن باقی مانده، دسترسی داشته است؛ کلود کاهن، «تاریخ‌نگاری دوره سلجوقی»، ترجمه یعقوب آژند (تهران: مولى، ۱۳۸۰)، ص ۵۰۶.

۴۹. ابن‌الاثیر، ۲۵۰.

۵۰. در بسیاری از منابع، آذربایجان به عنوان مرکز مدیریت و هدایت نیروهای سلجوقی یاد شده است. جهت اطلاعات بیشتر به منابع ذیل رجوع کنید: نیشابوری، ۲۴، حسینی، ۵۳ - ۴۶، ابن‌الاثیر، ۳۰۱ و ابوابراهیم قوام‌الدین فتح بن علی بن محمد بنداری اصفهانی، تاریخ سلسله سلجوقی، ترجمه محمدحسین جلیلی (تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۲۵۳۶)، ص ۵۱ - ۴۶.

ترکمنان در آنجا بود. جهاد و کسب غنیمت از انگیزه‌های دیگری بود که سیاست سلجوقیان را در آناطولی شکل می‌داد. این حرکت سلجوقیان مواضع دفاعی مسلمانان را در برابر بیزانس و متحدانش حالت تهاجمی بخشید. این پیروزی‌های مقدماتی پیش از نبرد ملازگرد در تقویت روحیه سپاهیان مسلمان سلجوقی و تشویق و تحریک آنان به جنگ بسیار مؤثر افتاد. نیروهای زیادی حتی از شهرها برای پیوستن به غازیان به راه افتاد.^{۵۱}

امر دیگری که به سیاست پیشروی و فتح آناطولی توسط سلجوقیان مساعدت می‌نمود، موقعیت نامطلوب بیزانس در آناطولی بود. این امپراتوری توانایی لازم را برای ایجاد اتحاد سیاسی و هماهنگی میان نیروهای تابع خود نداشت، به ویژه که اتباع بیزانس، متشکل از ملیت‌ها و اقلیت‌های مختلف، زبانی، قومی و دینی بودند. در این زمان آرامنه و سوریانی‌های ساکن آناطولی به علت دشمنی سیاسی و مذهبی از شرق آناطولی به مرکز آن کوچ داده شدند.^{۵۲} می‌توان گفت که آرامنه و سوریانی‌ها با اختلافاتی که با بیزانس‌ها داشتند باعث فتح آسان آناطولی توسط سلجوقیان گردیدند. در دهه آخر حاکمیت طغرل ترکمنان غازی و مهاجم حملات متعددی را از آذربایجان به آناطولی طرح‌ریزی کردند. اسکان به نسبت بیشتر ارمنی‌ها در مقابل رومی‌ها در این ناحیه موجب فتوحات کم‌دردر ترکمنان سلجوقی می‌گردید. اشاره گردید که ارمنی‌ها با بیزانس‌ها جدایی مذهب داشتند و حاکمیت سیاسی بیزانس و مذهب ارتدوکس را قبول نداشتند. شورش‌های زیادی توسط ارمنی‌ها علیه بیزانس در آناطولی به وقوع پیوست که باعث تبعید آنها از ایروان و شرق آناطولی به نقاط مرکزی آناطولی توسط بیزانس گردید. به همین جهت ارمنی‌ها نسبت به ترکانی که کاری به امور داخلی و اعتقادی آنها نداشتند به چشم ناچی^{۵۳} می‌نگریستند.^{۵۴}

براساس نوشته ماتئوس می‌توان ثابت نمود که حملات سریع ترکمن‌ها به آناطولی در بهار سال ۴۴۷ قمری (۱۰۵۵ م) اتفاق افتاده است. یاقوتی فرزند چغری بیگ به اتفاق یک امیر دیگر ترکمن به نام ربک با نیروهای ترکمن تحت امر خود که از آذربایجان و آران به راه افتادند، توانستند، ارزروم

۵۱. امامی خوبی، «نبرد ملازگرد یا خندق دوم دنیای اسلام»، ص ۴۹.

۵۲. امامی خوبی، همان، ۵۰ - ۴۹؛ ک.س. خداوردیان، تاریخ ارمنستان، ترجمه گرمابیک (تهران: ناشر مترجم، بی‌تا)، ص ۱۹۸

۱۹۷ -

۵۳. مارکوپولو که در نیمه دوم قرن سیزدهم در آناطولی حضور داشته است از ارمنی‌های این ناحیه با عنوان ضعیفانی نام می‌برد که تنها صفت قابل توجه‌شان نوشیدن زیاد شراب بود. مارکوپولو. سفرنامه. ترجمه منصور سجادی و آنجلا دی جوانو (تهران: گویش، ۱۳۶۳)، ص ۳۲.

و ارزنجان را تا کماه به تصرف خود درآوردند.^{۵۵} گروه دیگری از سواره نظام ترکمن‌ها که در فرمان یاقوتی بودند توانستند قراحصار را نیز به تصرف خود درآورند.^{۵۶}

به دستور سلطان طغرل در سال ۴۵۱ قمری (۱۰۵۹ م) شاهزاده یاقوتی به اتفاق امیرسالار خراسان و دیگر امرای ترکمن از شمال دریاچه وان وارد آناتولی شدند. امیرسالار خراسان اورفه را محاصره ولی موفق به فتح آن نشد ولی دسته دیگری از ترکمن‌ها به راحتی قلعه سیواس را به دست گرفتند.^{۵۷} روشن است که این حملات نیز از طریق آذربایجان صورت گرفته است.^{۵۸}

در سال ۴۵۴ قمری (۱۰۶۲ م) سلطان طغرل جهت رسیدگی و سرکشی به نیروهایی که حرکات نظامی به آناتولی انجام می‌دادند به آذربایجان آمد و بعد از دادن تعلیماتی به برادرزاده‌اش یاقوتی آذربایجان را به مقصد عراق ترک کرد. در همان سال یاقوتی از ترکمن‌های «ناوکیه»^{۵۹} که در آذربایجان و ازان سکونت یافته بودند اردوی بزرگی را تشکیل و به طرف آناتولی به حرکت درآمد. در این حرکت نظامی مناطقی را در شرق آناتولی فتح و در منطقه بیتلیس با نیروهای نصرالدوله مروانی متحد شد. نیروهای متحد آنها تعدادی از قلعه‌های مستحکم حوزه دجله و فرات را فتح کردند.^{۶۰}

از بحث‌های گذشته روشن می‌گردد که قریب به سی و اندی سال بعد از تأسیس حکومت بزرگ سلجوقی در ایران تا روی کار آمدن آلپارسلان، آذربایجان در سیاست گسترش ارضی سلجوقیان در آناتولی نقش اساسی ایفا می‌کرد. سیاست سلاطین بزرگ سلجوقی در سوق دادن ترکمنان به آناتولی که در آن روزگار سرزمینی غیراسلامی تحت سلطه بیزانس بود، از یک طرف باعث رفع تهدید حاکمیت‌شان از ناحیه آنها می‌شد و در عین حال زمینه و وسیله امرار معاش ترکمن‌ها را نیز فراهم می‌آورد. محل اصلی تجمع و تمرکز این ترکمن‌ها نیز قبل از ورودشان به آناتولی آذربایجان بوده است که بعضی از محققان در تحقیقات خود به نقش و اهمیت آذربایجان در این راستا به درستی اشاره کرده‌اند.

55. Mateos, S. 100

56. Ali Sewim, Anadolu fatihi kutalmisoglu Suleyman Sah, S. 5 ve Ibrahim kafesoglu, "Selcuklular" Islam Ansi Klopeditisi, C10 (Istanbul, 1980) S. 368

57. Mateos, S. 110 - 111

58. Kafaoglu, S. 368

۵۹. درباره ترکمن‌های ناوکیه که در آذربایجان سکونت یافته بودند جهت کسب اطلاعات جامع رجوع کنید به: (Furu.Sumer, 154, 153, Oguzlar).

۶۰. سبط ابن جوزی، *مرآةالزمان فی تاریخ الاعیان*، به تصحیح علی سویم (آنقره، مطبعه الجمعیه التاریخیه ترکیه، ۱۹۶۸ م)،

ص ۷۵ - ۷۴؛ ابن‌الانیر، ص ۳۷۷ - ۳۷۶؛ راوندی، ص ۱۱۱ و ۳۶۸، Kaymaz, S. 262, Kafasoglu, S.

عثمان توران مورخ ترکیه در یکی از آثار مهم خود جایگاه آذربایجان را در فتح آناطولی توسط ترکمن‌ها بیان کرده و نوشته است. سلاطین سلجوقی از همان زمان طغرل ترکمانی را که از ترکستان به طرف ایران سرازیر می‌شدند به سوی آذربایجان هدایت می‌کردند در آن زمان آذربایجان محل رفت و آمد ترکمانان بود و به خاطر همین مسأله به آن ناحیه لقب «مهمان‌سرا»^{۶۱} داده بودند، زیرا ترکمن‌ها مدتی در آن ناحیه اقامت می‌کردند و بعداً به طرف مرزهای بیزانس سرازیر می‌شدند.^{۶۲} منطقه آناطولی به مدت سی سال در معرض حملات و فشار وارده از سوی ترکان قرار داشت. اگرچه ترکمن‌ها از طرف سلجوقیان حمایت می‌شدند، اما غالباً تحت رهبری بیگ‌ها بود که حملات خود را از آذربایجان شروع می‌کردند و تا دورترین نقاط در مشرق و مرکز و غرب آناطولی پیش می‌رفتند.^{۶۳} در اثر این حملات همان طوری که در بحث‌های پیش نیز بیان گردید ترکمن‌ها علاوه بر دشت‌های آناطولی، بر بسیاری از شهرهای مهم از جمله ارزروم (۴۴۰ ق)، قارص (۴۴۶ ق)، ملطیه (۴۴۹ ق)، سیواس (۴۵۱ ق)، قیصریه (۴۵۹ ق)، قونیه و عاموریه (۴۶۰ ق)، نیز دست یافتند. با این همه تا نبرد ملازگرد آناطولی برای استقرار ترکان یک منطقه ناامن محسوب می‌شد. زیرا در آناطولی شهرها، دژها و استحکامات بسیاری وجود داشت و نیروهای بیزانس به شدت ترکمن‌ها را تعقیب می‌کردند. به همین دلیل ترکمن‌ها به طور عادت بعد از حملات و فتوح به آذربایجان بازمی‌گشتند.^{۶۴}

دوره سلطان آلپ ارسلان

پس از درگذشت طغرل در سال ۴۵۶ قمری، برادرزاده‌اش آلپ ارسلان جانشین او شد و نقشه‌های دراز مدت و اصلی سلجوقیان را در فتح گرجستان، آناطولی و ارمنستان پی گرفت. آذربایجان بیش از پیش اهمیت ویژه‌ای به عنوان پایگاه توسعه‌طلبی ترکان سلجوقی پیدا کرد. آلپ ارسلان یکی از خطوط عمده سیاست سلجوقیان را دنبال کرد و در آن راستا ترکمانان تازه وارد، به غزا به آذربایجان و از آنجا به آناطولی و سوریه سوق داده شدند تا لشکرکشی به امیرنشین‌های مسیحی آسیای صغیر

61. Konak

62. Osman Turan, *Selcuklular tarihi ve Türk - Islam medeniyeti* (Istanbul, 2003), s. 151 - 152

۶۳ عثمان توران، «آناطولی در دوره سلجوقی و بیگ‌ها»، *تاریخ اسلام پژوهش دانشگاه کمبریج*، ج ۱، ترجمه تیمور قادری

(تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳)، ص ۳۱۵

۶۴ همان، ۳۱۵؛ همچنین، نک: به ابن‌الائیر، ص ۲۵۰ و حسینی، ص ۷۱ - ۷۰ و بنداری، ص ۳۸ - ۳۷

را که با مرگ طغرل متوقف گردیده بود از سر بگیرند.^{۶۵}

آلپ ارسلان بعد از قرار گرفتن در رأس دولت بزرگ سلجوقی به اهمیت آذربایجان در فتوح و مهاجرت‌های ترکمن‌های سلجوقی پی برد. زیرا آذربایجان علاوه بر اینکه یکی از مناطق بسیار مساعد جهت اسکان ترکمنان سلجوقی بود، در عین حال پایگاه مهم توسعه‌طلبی سلجوقیان و حرکت‌های جهادی غازیان ترکمن در آناتولی، قفقاز و شامات بود. به همین جهت آلپ ارسلان رسیدگی به تهاجمات ترکمن‌هایی را که از آذربایجان به آناتولی صورت می‌گرفت، وجهه همت خود قرار داد و به آنها نظم بخشید. او به ویژه جهت خارج نمودن سوریه از دست فاطمی‌ها تلاش زیادی به خرج داد. این نظر و سیاست سلجوقیان وهم‌جنین رقابت عباسیان با فاطمیان بر سر سوریه به روایت ابن‌اثیر باعث ایجاد روابط سیاسی صلح‌آمیز میان بیزانس و فاطمی‌ها شده بود. خلیفه فاطمی مصر المستنصر بالله با امپراتور روم ترک مخاصمه کرد مشروط بر این که تعداد پنجاه اسیر مسلمانی که متعلق به مصر و در دست رومی‌ها بودند، آزاد شوند. خلفای فاطمی در ابتدا بر سر شام با بیزانس در حال جنگ و دشمنی بودند. اما بعدها عموماً با دولت بیزانس روابط دوستانه داشتند. علت آن خطر ترکان سلجوقی و ماجراجویان ترکمن بود که شام و آناتولی را تهدید می‌کردند.^{۶۶}

از سال ۴۵۶ قمری (۱۰۶۴ م) تا فتح ملازگرد، آلپ ارسلان شخصاً فرماندهی نیروهای سلجوقی را در فتح و گشودن تعدادی از قلعه‌های مهم آناتولی برعهده داشت. قلعه‌ها و شهرهای مستحکم قارص، آنی، سمراری، مریم نشین، سپیدشهر و... در این سال‌ها فتح شدند.^{۶۷}

بعد از این فتوح قبایل انبوه ترکمن، غرب و مرکز آذربایجان را به سوی آناتولی ترک کرده و در آنجا اسکان یافتند.^{۶۸} در کنار تحرکات نظامی که توسط قوای دولت سلجوقی برای فتح آناتولی سازماندهی و ترتیب داده می‌شد. برخی از سرکرده‌های عاصی ترکمن نیز در فتح آناتولی نقش مهمی داشتند. برای نمونه بکچی اوغلی افشین بیگ که در حین یک درگیری و نزاع حاجب گمشدگان را کشته بود از ترس مجازات توسط آلپ ارسلان با ترکمنان تحت امر خود که در اطراف اخلاط حضور داشتند، به داخل آناتولی حرکت کردند. افشین بیگ که کوه‌های آمانوس را به عنوان یورت انتخاب کرده بود، حملاتی را از آنجا به منطقه آنتپ (عنتب) ترتیب داد و توانست در سال

۶۵ ملیحه ستارزاده، *سلجوقیان* (تهران: سمت، ۱۳۸۵)، ص ۵۷

۶۶ همان، ص ۱۶۹؛ ادموند کلیفورد باسورث، *سلسله‌های اسلامی*، ترجمه فریدون بدره‌ای (تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱)، ص ۸۳

۶۷ ابن‌الاثیر، ج ۱۷، ص ۱۲ - ۱۱ - ۱۰؛ پنداری، ص ۳۸ - ۳۷؛ حسینی، ص ۷۱ - ۷۰.

68. Mehmet. A. Koymen, "Selcuklular ve Anadolunun Turklesmesi meselesi," *Selcuk dergisi*, S. 1. (Konya, 1986) S. 22 - 37

۴۶۴ قمری (۱۰۶۷ م) شهر دولوک را تصرف کند؛ افشین حتی قیصریه را نیز به صورت موقت به تصرف خود درآورد.^{۶۹}

گمان می‌رود حملات ترکمانان به آناتولی تا فتح ملازگرد از دو جهت بسیار حائز اهمیت بود: از طرفی زمینه‌ساز فتوح بعدی و پیشروی در آن سرزمین شد و از طرف دیگر باعث گردید بیزانسی‌ها در برابر حملات بعدی روحیه دفاع و توان مقابله خود را از دست بدهند. تهاجمات ترکان به آناتولی از طریق آذربایجان صورت می‌گرفت و مأوا و محل تجمع و تدارک بسیاری از ترکمانان قبل از حمله به آناتولی آذربایجان بود. در وقایع‌نامه‌های متعدد نیز به این نقش تاریخی آذربایجان اشاره شده است. شاهزادگان سلجوقی از جمله حسن (پسر موسی بیغو) و چغری و یاقوتی در دوره طغرل هر سه مأمور فتح آذربایجان بودند و از آنجا تا اسپورگان (حوزه وان) پیشروی کرده و به قلمرو بیزانس حملاتی را ترتیب دادند.

با روی کار آمدن آلپارسلان تغییر مهمی در وضعیت آذربایجان پدید آمد. وی به منظور جنگ با رومیان از ری راهی آذربایجان گردید و به مرند رسید. در مرند یکی از امرای ترکمن با نام طغدکین (طغتکین) که بیشتر مواقع با گروه‌های بسیاری از ایل و پیروانش به جنگ رومیان می‌رفت، به حضور سلطان آلپارسلان رسید. وی و تابعانش به جنگ و جهاد با رومیان عادت کرده بودند و بدین جهت سرزمین روم را به خوبی می‌شناختند. طغدکین، آلپارسلان را به جنگ علیه رومیان برانگیخت و حاضر شد راه مستقیم را که به آن سرزمین می‌رفت به آلپارسلان نشان دهد. در این میان مردمان خوی و سلماس نیز که از سلجوقیان اطاعت نمی‌کردند، مطیع شدند و به گفته ابن اثیر، ردیف لشکریان سلجوقی قرار گرفتند.^{۷۰} با آن که هنوز ده سال از سلطه سلجوقیان به آذربایجان نگذشته بود، ترکمانان به فراوانی و انبوهی در آذربایجان از جمله مرند سکونت داشتند که کار اصلی آنها جهاد با رومیان مسیحی بود و آن گونه که زریاب خوبی توجه داده از نکات مهم نوشته ابن اثیر آن است که آغاز مرحله نوینی در تاریخ آن منطقه شد و تغییراتی اساسی و شگرف در ژئوپولیتیک یعنی سیاست منطقه‌ای و جغرافیایی پدید آورد که بعدها منجر به تکان‌هایی در تاریخ سیاسی عالم گردید.

ملازگرد کلید فتح آسیای صغیر و سقوط نهایی دولت بیزانس و قسطنطنیه و تسلط دولت عثمانی بر بالکان و دریای سیاه و سواحل شرقی مدیترانه شد و اینها همه از آذربایجان شروع گردید.

69. Ali Sewim, "Bizansin durduramadigi Buyuk Turk komutani' Bekcioglu Afsin," *Turk dili*, S. 433 (Ankara, 1988) S. 2

۷۰. ابن‌الاثیر، ج ۱۷، ص ۱۰؛ حسینی، ص ۶۹

از گفته ابن الاثیر برمی آید که پیش از آمدن سلجوقیان امیران ترکمان در آذربایجان ساکن بودند. اینان خود بایستی از سلجوقیان باشند که احتمالاً در نخستین سفر جنگی طغرل به آذربایجان به این سرزمین آمده و در آنجا سکنی گزیده بودند. امرای ترکمن ساکن در آذربایجان با رومیان «جهاد» می کردند. پس اینان بایستی از سلجوقیانی باشند که در نخستین حمله طغرل به آذربایجان در آنجا ساکن شده بودند و در زیر پوشش جهاد و غزا (جنگ با کفار) در طلب چراگاه و زمین های بیشتر به «آناطولی» و ارمنستان و گرجستان حمله می کردند. عمل این امرای ترکمان جزئی از عملیات «حرکت به سوی غرب» و تصرف آسیای صغیر بود که با آمدن آلپارسلان به آذربایجان و پیوستن این امرای بدو شتابی بیشتر یافت.^{۷۱}

بنابراین آذربایجان در همه فعالیت های سلطه جویانه سلجوقیان چه قبل از نبرد ملازگرد و چه در حین آن نبرد و حتی بعد از آن یعنی در دوره مغول، مرکز اصلی تدارک و اردوگاه سپاهیان سلجوقی و ترکمانان بوده است. در این میان غرب آذربایجان به ویژه نواحی خوی، مرند و سلماس و ارومیه سرپل و مبدأ حمله به قلمرو بیزانس در آناطولی بود.

آلپارسلان که در حال نبرد با فاطمیان سوریه بود پس از دریافت نامه تهدید آمیز امپراتوری بیزانس که در آن خواستار استرداد شهرهای تصرف شده بیزانس شده بود و نیز به محض شنیدن پیشروی رومانوس امپراتور روم با عجله به آذربایجان بازگشت تا به تدارک و تجهیز نیرو بپردازد.^{۷۲} به هر حال سلجوقیان در پی منازعات مکرر با امپراتوری بیزانس عاقبت در سال ۴۶۳ قمری (۱۰۷۱ م) در ملازگرد بر آنان غلبه کردند. سیل مهاجرت ترکمنان در این ادوار که به طور فزاینده ای از آسیای مرکزی به خراسان و از آنجا به آذربایجان دوام داشت، به آناطولی نیز سرازیر گردید، به گونه ای که زمینه کاملاً مناسبی برای تشکیل حکومت سلاجقه روم فراهم گشت.^{۷۳} هرچند هدف سلجوقیان (آلپارسلان) جز حمله بر بیزانس یا تصرف بخشی از قلمرو آن نبود. با پیروزی سلجوقیان در نبرد ملازگرد^{۷۴} دروازه های روم به روی ایران گشوده شد، و آذربایجان به ویژه با تشکیل دولت سلجوقی

۷۱. عباس زریاب خویی، «آذربایجان»، *دایرةالمعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱ (تهران: مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳)،

ص ۲۰۵.

۷۲. بنداری، ص ۴۶.

۷۳. عثمان توران، ص ۳۱۷ - ۳۱۶.

۷۴. پرداختن به نبرد ملازگرد و مقدمات، علل، چگونگی و نتایج عظیم آن از حوصله این مقاله خارج است در اینجا فقط هدف پرتوافکنی به نقش مهم آذربایجان در این نبرد که نقطه عطفی بسیار مهم در تاریخ ایران و جهان ترکان می باشد. (علاقمندان جهت اطلاعات بیشتر به مقالات دکتر امامی تحت عنوان ملازگرد یا خندق دوم دنیای اسلام و نبرد ملازگرد نوشته دکتر آبیاری مراجعه نمایند.)

روم گذرگاه اصلی شرق و غرب گردید. ترکان که به تدریج سراسر آناتولی را فتح کردند با ساکنان بومی درآمیخته و با گسترش اسلام در آناتولی زمینه‌های ایجاد یک ملت بزرگ را در عصر عثمانی فراهم آوردند بنابراین حوادث و نتایج مزبور نشان دهنده اهمیت این پیروزی است که آذربایجان در آن محور و پایگاه اصلی تدارک و تجهیز نیروهای سلجوقی بوده است.

دورهٔ ملکشاه

در عهد ملکشاه سلجوقی نیز گروه‌های مهاجر ترک به سوی غرب سرازیر بودند. این گروه‌های داوطلب مهاجر که تحت نام مطوعه (غازیان داوطلب) خراسان را پشت سر گذاشته و به طرف غرب ایران آمده بودند، در ری برای سلجوقیان مشکلاتی به وجود می‌آوردند به طوری که آنها نیز ناگزیر از انتقال مرکز حکومت از ری به اصفهان شدند. ملکشاه که در این پایتخت جدید با اتکا به مشاوران ایرانی و سپاهیان حکومت می‌کرد، کاروان‌های ترکی را که از شرق وارد قلمروش می‌شدند، مدام به حوالی ارزن، آذربایجان و مرزهای بیزانس می‌فرستاد.^{۷۵}

در دورهٔ ملکشاه امرای ترکمن‌های آذربایجان فعالیت‌های خود را گسترش داده در فتح آناتولی موفقیت‌های زیادی به دست آوردند. همسر ملکشاه و مادر برکیارق زبیده خاتون دختر امیر اسماعیل بغانی امیر آذربایجان بود. امیر اسماعیل از بزرگان و متنفذان امرای سلجوقی در آذربایجان بود. امرای ترکمن آذربایجان با کمک زبیده خاتون در دولت سلجوقی صاحب نفوذ و جایگاه برجسته‌ای بودند.^{۷۶}

از جانب دیگر علاقهٔ سلجوقیان در دورهٔ ملکشاه به مرزهای شمال غربی ایران، به ویژه آذربایجان مضاعف بود. نخست از لحاظ تسلط بر ارزن و از آن طریق محافظت آذربایجان و دیگر به دست گرفتن جاده‌ای که از ارس گذشته و به درون ارمنستان می‌رفت، این جاده برای دفع حملات گرجیان مهم بود. بنابراین در دوران پادشاهی ملکشاه، آذربایجان اهمیت خود را هم به عنوان ناحیه تمرکز ترکمنان و هم به مثابه پایگاهی که ترکمنان از آنجا حرکت کرده و در داخل آناتولی می‌جنگیدند و برای نیروهای خود غنیمت می‌آوردند، حفظ کرد. ملکشاه عاقبت با قرار دادن سراسر ارزن و آذربایجان تحت حکومت پسرعمویش قطب‌الدین اسماعیل بن یاقوتی که به وی لقب ملک داده شد، این اهمیت را به رسمیت شناخت. به واسطهٔ تمرکز ترکمنان در آذربایجان و ارزن بود که

در پی مرگ ملک‌شاه در سال ۴۸۵ قمری و آغاز اختلافات و جنگ‌های خانوادگی و نیز بروز آشفتگی در قلمرو سلجوقیان، مرزهای شمال غربی ایران مدت‌ها استوار و آرام باقی ماند.^{۷۷} باید به این نکته نیز اشاره شود که سلجوقیان در نواحی مرزی آذربایجان و قفقاز ارمنستان، آناطولی و جاهای دیگر نفوذ خود را از طریق شاهزادگان سلجوقی و فرماندهان و امرای ترکمن حفظ می‌کردند. به ترکمانان سلجوقی که در نواحی آذربایجان و اران و مناطقی از کردستان و لرستان استقرار یافته بودند توجه بیشتری می‌شد. شاهزادگان سلجوقی آذربایجان از زمان طغرل بیگ به بعد، یاقوتی برادر آلپ‌ارسلان و پس از وی پسرش اسماعیل و بعد نیز نوه‌اش قطب‌الدین (مودود) بودند.^{۷۸}

اینکه در دوره سلاطین بزرگ سلجوقی سرزمین‌های واقع در غرب از جمله آذربایجان به اعضای بااهمیت‌تر خاندان سلجوقی داده می‌شد از یک طرف نشانگر اهمیت این مناطق در سیاست سلجوقیان بزرگ است و از طرف دیگر نشان از آگاهی و وفاداری آنها به تعهدات سنتی خود نسبت به اعضای خاندان سلجوقی دارد.

نتیجه‌گیری

پس از فتح سراسر ایران در دوره سلجوقی پای ترکان بیش از هر جای به آذربایجان باز شد. فتح آناطولی (آسیای صغیر) با آن همه اهمیت و ویژگی‌های جغرافیایی و سیاسی تنها با تصرف آذربایجان که با بیزانس هم مرز بود میسر می‌شد. به همین جهت هر حرکت و مهاجرت ترکان به آذربایجان تهاجمی را در آناطولی نیز در پی داشت. تا آن که بعد از نبرد ملازگرد و عدم پای بندی امپراتوری بیزانس به تعهدات نبرد مذکور باعث گردید ترکان با همه نیروها و سلاح‌هایشان از ایران و آذربایجان به آناطولی تاختند و مانند گذشته به یورش‌های شتابان و بازگشت بسنده نکردند بلکه با هدف تصرف همیشگی شهرها و روستاهای آناطولی به آنها دست انداختند که همه اینها منجر به بنیانگذاری سلطنت سلاجقه روم در سال ۴۷۱ قمری (۱۰۷۷ م) در آسیای صغیر گردید که خود از حوادث بسیار مهم تاریخ است.

سیاست سلجوقیان بدست آوردن فضای بیشتر بود و به همین جهت خاک‌های متصرفی موجود در خراسان و ماوراءالنهر تکافوی نیازهای آنها را نمی‌کرد و هدف آنها فتح آسیای غربی از جمله آناطولی بود. اما قبل از گشودن آن مناطق فتح سرتاسر ایران به ویژه آذربایجان ضرورت داشت.

۷۷. باسورث، «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران»، ص ۱۰۵ - ۹۷.

۷۸. همان، ص ۸۳ - ۸۲.

از بخت خوش سلجوقیان اوضاع نامساعد سیاسی مرکز و غرب ایران و وجود دولت‌های محلی ضعیف که احياناً با یکدیگر اختلاف و درگیری‌هایی نیز داشتند، برای آنها نوید توانستن می‌داد. به همین جهت در مدت کوتاهی مناطق مرکزی و غرب ایران تا منتهی‌الیه آذربایجان که هم‌مرز با سرزمین‌های مسیحی‌نشین بیزانس و ارمنستان بود، در اختیار آنها قرار گرفت با فتوح سلجوقیان در ایران، روند مهاجرت قبایل اغوز (ترکمن) نیز به ایران استمرار یافت. از همین زمان‌ها آذربایجان به تدریج در متن و کانون تحولات مهم تاریخ ایران، ترکان و اسلام آن روز قرار گرفت. آذربایجان محل مناسبی برای زندگی ایلیاتی ترکمانان چادرنشین بود. مناطق همجوار در غرب آذربایجان نیز همین وضعیت مساعد را برای سلجوقیان داشتند ولی در آن روزگاران وجود غیرمسلمانان در مرزهای غرب و شمال غرب آذربایجان مانع حضور سلجوقیان و ترکمانان در آناطولی بود، بنابراین مقصد نهایی و بارانداز اکثریت مهاجران و مهاجمان ترکمن در وهله اول آذربایجان بوده است.

ورود ترکمانان به آناطولی از طریق آذربایجان که سرانجام به فتح بسیاری از نواحی آن انجامید در دو مقطع زمانی پیش و پس از نبرد ملازگرد تحقق یافت. در دوره اول ترکمانان برای جهاد و کسب غنیمت و تأمین مراتع در شرق آناطولی تاخت و تاز می‌کردند و کمتر در آن سامان رحل اقامت می‌افکندند و پس از انجام مأموریت‌هایشان به آذربایجان برمی‌گشتند. اما بعد از ملازگرد وضعیت تغییر یافت و این بار مهاجمان ترکمن برای فتح و اقامت و ایجاد وطن جدید برای خود به آناطولی رفتند و با عقب‌نشاندن بیزانس موفق شدند تا نزدیکی‌های سواحل دریای مدیترانه و اژه پیشروی کنند. در همین زمان‌ها بود که خواجه نظام‌الملک وزیر باکفایت سلطان ملکشاه سلجوقی برای آنکه قدرت و شکوه سلجوقیان را نشان دهد مزد ملاحان جیحون را به انطاکیه حواله کرد. از دیگر آثار مهم مهاجرت و حاکمیت ترکان در آناطولی، علاوه بر تغییر قومیت مردم آن خطه به نفع ترکان و نیز تبدیل آن به سرزمین ابدی ترکان، گسترش اسلام در سر تا سر آناطولی است که تا آن تاریخ مسلمانان نتوانسته بودند این مهم را عملی کنند. به گمان نگارنده با توجه به آنچه که در متن مقاله به تفصیل بیان گردید آذربایجان به دلیل موقعیت استراتژیکی‌اش در همه این تحولات نقش قاطعی داشته است.

کتابنامه

آفسرایی، محمودبن محمد. تاریخ سلاجقه (مسامره الاخبار و مسایره الاخبار). به اهتمام عثمان توران. تهران:

اساطیر، ۱۳۶۲.

آلیاری، حسین. «نبرد ملازگرد». مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تبریز. شماره ۳. سال ۱۹.

۱۳۶۴.

ابن‌اثیر، عزالدین. تاریخ کامل بزرگ اسلام و ایران. ترجمه علی هاشمی حائری. تهران: مؤسسه مطبوعاتی علمی، جلد ۱۷ و ۱۶. ۱۳۶۸.

ابن‌الاثیر، عزالدین. الكامل فی التاریخ. ج ۹. بیروت: دارصادر ۱۹۶۵.

ابن جوزی، سبط. مرآةالزمان فی تاریخ الاعیان. به تصحیح علی سوییم. آنقره: مطبعه الجمعیتہ التاریخیه ترکیه. ۱۹۶۸.

ابن‌خلدون، عبدالرحمن. العبر (تاریخ ابن‌خلدون). ج ۴. ترجمه محمدابراهیم آینی. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۸.

امامی خوبی، محمدتقی «نبرد ملازگرد یا خندق دوم دنیای اسلام». مجله علمی - پژوهشی دانشگاه الزهراء، شماره ۵۳، سال ۱۵، ۱۳۸۴.

امامی خوئی، محمدتقی. «خوی در زمان سلجوقیان». خوی دیار با صفا. تهران: مرکز خوی شناسی وابسته به مرکز خویهای مقیم تهران: ۱۳۸۹.

باسورث، ادموند کلیفورد. سلسله‌های اسلامی. ترجمه فریدون بدره‌ای. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۱.

باسورث، ادموند کلیفورد. «تاریخ سیاسی و دودمانی ایران». تاریخ ایران پژوهش دانشگاه کمبریج. به کوشش رن. فرای. ترجمه حسن انوشه. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۳.

بنداری اصفهانی. تاریخ سلسله سلجوقی (زبده النُصره و نخبه العُصره). ترجمه محمدحسن جلیلی. تهران: بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۶.

پرگاری، صالح. «روند قدرت‌گیری ترکان در ایران». پژوهشنامه ادبیات و علوم انسانی. ش ۳۴. تابستان ۱۳۸۱ توران، عثمان. «آناتولی در دوره سلجوقی و بیگ‌ها». تاریخ اسلام، پژوهش دانشگاه کمبریج، ج ۱، ترجمه تیمور قادری، تهران: امیرکبیر، ۱۳۸۳.

حسینی، صدرالدین ابوالحسن علی بن ناصر بن علی. زبده‌التواریخ. ترجمه رمضان روح‌الهی. تهران: انتشارات ایل شاهسون بغدادی، ۱۳۸۰.

خداوردیان، ک. س. تاریخ ارمنستان. ترجمه گرمانیک. تهران: ناشر مترجم، بی‌تا.

خواندمیر، غیاث‌الدین بن همام‌الدین. حبیب‌السیر. تصحیح زیر نظر محمد دبیر سیاقی. تهران: خیام، ۱۳۵۳.

راوندی، محمدبن علی بن سلیمان. راحة الصدور و آیه السرور. تصحیح محمد اقبال. تهران: امیرکبیر، ۱۳۶۲.

زریاب خوبی، عباس. «آذربایجان» دایره‌المعارف بزرگ اسلامی. تهران: ج ۱ مرکز نشر دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۸۳.

ستارزاده، ملیحه. سلجوقیان. تهران: انتشارات سمت، ۱۳۸۵.

شکر، محمد. سلجوقیان (شکست بیزانس در ملازگرد و گسترش اسلام در آناتولی). ترجمه نصرالله صالحی و

- علی ارطغرل. تهران: نشر ادیان، ۱۳۸۵.
- صدقی، ناصر. «سیاست‌های سلجوقیان در تصرف سرزمین‌های رومی قفقاز و آناتولی» دو فصلنامه تاریخ ایران بعد از اسلام. ش ۴۵؛ بهار و تابستان ۱۳۹۱.
- قزوینی، زکریا ابن محمد بن محمود. آثار البلاد و اخبار العباد. ترجمه عبدالرحمان شرفکندی. تهران: مؤسسه علمی اندیشه جوان، ۱۳۶۶.
- کرومر، جوئل. «احیای فرهنگی ایران در عهد آل بویه.» ترجمه محمدسعید حنایی کاشانی. تهران: مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۵.
- کسروی، احمد. شهریاران گمنام. تهران: جامی، ۱۳۷۷.
- کلود، کاهن. «تاریخ نگاری دوره سلجوقی.» سلجوقیان. ترجمه یعقوب آژند. تهران: مولی، ۱۳۸۰.
- مارکوپولو. سفرنامه. ترجمه منصور سجادی و آنجلا دی جوانی رومانو. تهران: گویش، ۱۳۶۳.
- مشکور، محمدجواد. «ترکان غز و مهاجرت ایشان به ایران» مجله بررسی‌های تاریخی. ش ۴. ۱۳۴۹.
- مقدسی، ابو عبدالله محمد. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم. ج ۲. ترجمه علینقی وزیر. تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱.
- میرخواند. محمد بن خاوندشاه بن محمود. روضة الصفا. ج ۶. تصحیح و تحشیه جمشید کیانفر. تهران: اساطیر، ۱۳۸۵.
- مینورسکی، و. پژوهش‌هایی در تاریخ قفقاز. ترجمه محسن خادم. تهران: بنیاد دایره المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۷۵.
- نیشابوری، ظهیرالدین. سلجوقنامه. تصحیح اسماعیل خان افشار. تهران: کلاله خاور، ۱۳۳۲.
- Kafas oglu, Ibrahim "Salcuklular, Islam Ansiklopedisi." c. 10. Istanbul, 1980
- Kaymaz, Nejat. "malazyirt savasi ile Anadolu'nun fethi ve Turklesmesinde Dai." *malazgirt Armagani*, TuTarih kuyumu, Ankara, 1972.
- Mehmet, Koymen,. A "Selcuklular ve Anadolunun Turklesmesi meselesi." *Selcuk Dergisi*, S. 1, Konya, 1986, S. 22 - 37.
- Osman, Turan. *Selcuklular tarihi ve Turk - Islam medeniyeti*, Istanbul, 2003.
- Ozturk, Necdet. "Gagri bey." *Turkdunyasi tarih deryisi* S.16, Istanbul, 1988.
- Sewim, Ali. "malazgirt meydan savasi ve sonuclar." *malazgirt armagani*, Turk Tarih kurumu, Ankara, 1972.
- _____. *Anadolu fatihi kutalmisoglu suleyman sah*, Ankara, 1990.
- _____. "bizans in Durduramadigi Buyuk Turk Komutani' Bekcioglu Afshin," *Turk dili*. S. 433, Ankara 1988.
- Sumer, Faruk. "Anadolu'ya yalnız Goceb Turkler migeldi." *Turk Tarih kurumu*, belleten, G. xxi, Ankara, 1960.

_____. *Oguzlar*, Ankara, 1972.

Togan, A. Z. V. *Umumi Turk tarihine giris*, Istanbul, 1970.

Urfali, Mateos. *Vekayiname*, (Cev. H. D. Andereasyan), Ankara, 1962.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی